

بسم الله الرحمن الرحيم

سبک زندگی قرآنی و استحکام خانواده

معصومه عیسوند محمودی حوزه علمیه خواهران الزهراء (سلام الله عليها دزفول)

چکیده

قرآن کریم به عنوان برترین نسخه زندگی و عالی ترین راهنمای بشر برای دست یابی به حیات طیبه بخش عظیمی از آیات را به تنظیم روابط اعضای خانواده حقوق و وظایف همسران و فرزندان اختصاص داده است. رجوع به آیات الهی میتواند انسان را جهت دستیابی به عالیتین راهکارها در تحکیم خانواده هدایت کند. و البته استحکام نهاد خانواده یکی از اصلی ترین راههای دوام ارزشهای اخلاقی و دینی در جامعه اسلامی است و شناخت عوامل تحکیم بنیاد خانواده و افزایش سطح آگاهی زوجین نیازمند تحقیق و بررسی فراوان است. در این نوشتار سعی شده تا با روش تحلیلی-توصیفی به جمع آوری برخی از آیات موجود صرفاً پیرامون سبک زندگی قرآنی و عوامل استحکام خانواده (و البته از ورود به مباحث فقهی و حقوقی خودداری کرده) به تعریف خانواده از نظر لغوی و اصطلاحی پرداخته شود و اهمیت و ضرورت تشکیل خانواده در قرآن با رد برخی از بهانه جویی ها در مورد ازدواج و تشویق به ازدواج آسان و بی تکلف و تاکید بر این که تشکیل خانواده عامل آرامش روحی و روانی فرد در اجتماع است. سبک قرآنی و عوامل استحکام خانواده از جمله گذشت، آرامش، حفظ حجاب، تربیت دینی، صبر بر مشکلات، مشورت، مصالحه برای حفظ کانون خانواده، و... از منظر قرآن که از عالی ترین رهنمودهای حیات بشر است بر طبق تفاسیر شیعی تشریح گردید است. کلید واژه: استحکام، خانواده، سبک، زندگی، قرآن.

مقدمه

تعریف خانواده:

(خانواده در لغت به معنای خاندان، دودمان، خیلخانه، و تبار آمده است. با توجه به هدفی که از نگارش این مقاله وجود دارد و با توجه به منابع اسلامی می توان خانواده را چنین تعریف کرد (خانواده کوچکترین و ساده ترین و عمومیترین واحد اجتماعی است که بر اساس ازدواج رسمی بین یک مرد و حداقل یک زن تشکیل میشود و با تولد فرزندان توسعه می یابد.) (۱)

نهاد خانواده اصلی ترین رکن جامعه و بستر فرهنگ های گوناگون و زمینه ساز خوشبختی و بد بختی انسانهاست و از این رو اسلام که برنامه سعادت و تکامل بشر است عنایت ویژه و به سلامت رشد و پویایی این نهاد سرنوشت ساز دارد. اهمیت پرداختن به مقوله ی تحکیم اساس خانواده ریشه در اهمیت و ارزش نهاد خانواده دارد. اگر به دنبال ایجاد یک جامعه سالم و پایدار هستیم باید به خانواده و عوامل تحکیم آن اهمیت و بها دهیم. در واقع خانواده ی پویا و سالم اولین شرط جامعه ی سالم است. تعبیراتی که در قرآن درباره خانواده به کار رفته است به خوبی این ادعا را اثبات میکند خداوند متعال در آیه ۲۱ سوره نساء از پیوند ازدواج که موجب تشکیل خانواده می شود « به میثاق غلیظ یا پیمان محکم یاد نموده » (۲)

می فرماید: (وَأَخْذُنَ مِنْكُمْ مِثْقَاً غَلِيظًا

و آنها از شما پیمانی محکم گرفته اند) (۳). در این اقوالی است

منظور از میثاق غلیظ آن عهدی است که در موقع ازدواج، مرد می‌بندد که زن را به نیکی نگهداری کند و به نیکی رهایش سازد.

مجاهد و زید گفته اند که مقصود « میثاق غلیظ » همان نکاحی است که زن را بر مرد حلال ساخته است .

پیامبر گرامی فرمود: یعنی ایشان را بعنوان امانت الهی گرفتید و با کلمه خدا بر خویش حلال ساختید .(۴)

و در ایه ۷۲ سوره مبارکه نوح لخوانده را نعمت الهی میدانند میفرماید « **وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا** » - الی آخره

در این آیه به یکی دیگر از نعمت‌های پروردگار اشاره می‌کند که به وجود و بی‌همتائی خداوند نیز دلالت می‌نماید

(چرا که جز خداوند یکتا و توانا احدی نمی‌تواند این نعمت‌هایی را که این آیه میفرماید به انسان ارزانی بدارد. یکی از آنها این می‌باشد که خدا همسران شما را از جنس خودتان قرار داده است، تا از هر جهت با یکدیگر سنخیت و مناسبت داشته باشید. و در اثر سنخیت به یکدیگر انس و علاقه و محبت پیدا کنید. در صورتی که اگر همسران شما از فرشتگان، یا از جنیان می‌بودند این سنخیت و محبت و علاقه‌ای که فعلا مشاهده می‌شود در کار نبود.) (۵)

و این خود یکی از آیات و علامت‌های قدرت نمائی و مهربانی خدای مَنان است و آیه ۲۱ سوره مبارکه روم این معنی را تأیید و تفسیر می‌کند و می‌فرماید:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً

(یعنی از جمله آیات و علامت قدرت نمائی خدای مهربان این است که همسران شما را از جنس خودتان آفرید، تا به وسیله زندگی نمودن با ایشان آرامش و آسایش داشته باشید. و بین شما و ایشان دوستی و مهربانی برقرار کرد. و از جمله نعمت‌های پروردگارتان این است که از همسرانتان فرزندانی و نوه‌هایی برای شما آفرید، تا چشم شما به دیدار آنان روشن گردد (و **جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً**) و آنان نظیر اموال، زینت زندگی دنیوی شما باشند. یعنی مال و فرزندان، زینت زندگی دنیوی انسان و مایه دلخوشی و سر-گرمی خواهند بود. از جمله نعمت‌هایی که این آیه به انسان خاطر نشان می‌کند.) (۶) در این ایه خانواده به اعتبار وجود همسر مایه سکون و آرامش معرفی میشود.

(با توجه به آیات فوق خانواده یگانه راه ارضای شرعی غریزه جنسی است در این آیه به یکی از مهمترین طرق مبارزه با فحشاء که ازدواج ساده و آسان، و بی‌ریا و بی‌تکلف است، اشاره شده، زیرا این نکته مسلم است که برای برچیدن بساط گناه، باید از طریق اشباع صحیح و مشروع غرائز وارد شد، آیه شریفه می‌فرماید: «و مردان و زنان بی‌همسر را همسر دهید، و همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکارتان را» **(وَأَنْكِحُوا**

الْأَيَامِي مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ) (۷)

بدون شک اصل تعاون اسلامی ایجاب می‌کند که مسلمانان در همه زمینه‌ها به یکدیگر کمک کنند ولی تصریح به این امر در مورد ازدواج دلیل بر اهمیت ویژه آن است. و از آنجا که یک عذر تقریبا عمومی و بهانه همگانی برای فراز از زیر بار ازدواج و تشکیل خانواده مسأله فقر و نداشتن امکانات مالی است قرآن به پاسخ آن پرداخته، می‌فرماید: از فقر و تنگدستی آنها نگران نباشید و در ازدواجشان بکوشید چرا که «اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند آنها را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد» **(إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ)**

و خداوند قادر بر چنین کاری هست، چرا که «خداوند واسع و علیم است» **(وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ)**

قدرتش آن چنان وسیع است که پهنه عالم هستی را فرا می گیرد، و علم او چنان گسترده است که از نیات همه کس مخصوصاً آنها که به نیت حفظ عفت و پاکدامنی اقدام به ازدواج می کنند آگاه است، و همه را مشمول فضل و کرم خود قرار خواهد داد. (۸)

(نگرش اسلام به خانواده بر عکس سایر مکاتب غیر اسلامی بسیار عمیق و همه جانبه است و تمام ابعاد آن از آغاز تا انتها در همه مراحل مورد توجه بوده و در همه موارد دستورات لازم ارایه گردیده. با توجه به این که خانواده یکی از بنیادی ترین نهادهای اجتماعی است در این نوشتار سبک زندگی قرآنی و عوامل استحکام خانواده از منظر قرآن مورد بررسی قرار گرفته است. (۹)

سبک زندگی قرآنی و عوامل استحکام خانواده

۱- گذشت در زندگی:

از جمله آیات الهی که بر حفظ بنیان ارزشمند خانواده تاکید میکند آیات ۱۴ تا ۱۸ سوره تغابن است در ابتدای این آیات وجود فرزندان و اموال رادر زندگی سبب آزمایش میدانود و توجه فرد به این آزمایشات الهی بر گذشت و بخش در زندگی خانوادگی تاکید میکند. و میفرماید: (اموال و فرزندان وسیله آزمایش شما هستند! از آنجا که در آیات گذشته این سوره فرمان به اطاعت بی قید و شرط خدا و رسولش آمده بود، و نیز یکی از موانع مهم این راه علاقه افراطی به اموال و همسران و فرزندان است در اینجا به مسلمانان در این زمینه هشدار می دهد:

نخست می گوید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! بعضی از همسران و فرزندان دشمنان شما هستند، از آنها بر حذر باشید» (یا ایها الذین آمنوا ان من ازواجکم و اولادکم عدوا لکم فاحذروهم) (۱۰)

البته نشانه های این عداوت کم نیست گاه می خواهید اقدام به کار مثبتی همچون هجرت کنید دامن شما را می گیرند و مانع این فیض عظیم می شوند، و گاه انتظار مرگ شما را می کشند تا ثروت شما را تملک کنند، و مانند اینها...

البته این دشمنی گاه در لباس دوستی است و به گمان خدمت است، و گاه به راستی با نیت سوء و قصد عداوت انجام می گیرد، و یا به قصد منافع خویشتن ولی از آنجا که ممکن است این دستور بهانه ای برای خشونت و انتقام جوئی و افراط از ناحیه پدران و همسران گردد بلافاصله در ذیل آیه برای تعدیل آنها می فرماید: «و اگر عفو کنید و چشم ببوشید و ببخشید (خداوند شما را مشمول عفو و رحمتش قرار می دهد) چرا که خداوند بخشنده و مهربان است» (و ان تغفوا و تصفحوا و تغفروا فان الله غفور رحیم) ی بنابر این اگر آنها از کار خود پشیمان شدند و در مقام عذرخواهی برآمدند، آنها را از خود نرانید، عفو و گذشت پیشه کنید، همان طور که انتظار دارید خدا هم با شما چنین کند.

آیه ۱۵ در این آیه به یک اصل کلی دیگر در مورد اموال و فرزندان اشاره کرده، می فرماید: «اموال و فرزندان فقط وسیله آزمایش شما هستند» (انما اموالکم و اولادکم فتنه)

و اگر در این میدان آزمایش، از عهده برآئید «اجر و پاداش عظیم نزد خداوند (از آن شما) خواهد بود» (الله عنده اجر عظیم) (۱۱)

۲- آرامش:

از دیگر عوامل استحکام بنای خانواده از منظر قرآن کریم آرامش و آسایشی است که خود محصول تشکیل خانواده است آن جا که میفرماید: می فرماید: «و از نشانه های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید» (و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا ائنها) (۱۲)

و از آنجا که ادامه این پیوند در میان همسران، نیاز به یک جاذبه و کشش قلبی و روحانی دارد به دنبال آن اضافه می‌کند: «و در میان شما مودت و رحمت قرار داد» (وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً)

و در پایان آیه برای تأکید بیشتر می‌فرماید: «در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند» (إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ...) (۱۳)

و اگر این آرامش نباشد بنای خانواده دوام نمی‌آورد و به زودی فرو میریزد.

۳- مدیریت مرد در خانواده:

(شوهر دارای حقوقی است ولی در محدوده اطاعت از خدا و پیامبرش و اولو الامری که خداوند ما را به اطاعت از فرمان آنها فرمان داده است

همچنین پدر و مادر نیز دارای حقوقی هستند ولی نه به آن معنی که فرزند مسلمان- چنان که پاره‌ای پنداشته‌اند- باید در تمام اعمال و افکارش از آنان متابعت کند اگر نه چنین باشد احسان به والدین به پرستش ناپسند آنها و شرک آشکار تبدیل می‌گردد. همچنین مردان علم و دین را حقوقی است ولی باید توجه داشت که به صورت طبقه طاغیه‌ای که در عوض ذات باری مورد پرستش قرار گیرند در نیایند.

جامعه را به نظم و انضباط نیاز است و برای این نظم نیاز به کسی است که آن را بر پای دارد و تحت فرمان خویش گیرد و از طغیان و تعدی و تجاوز ممانعت به عمل آرد، معمولاً نظم و انضباط از خانواده آغاز می‌شود آن هم در ارتباط زوجیت که یکی سگان کشتی را به دست دارد.

حبّ قیادت و رهبری از ویژگیهای ذاتی اوست همچنین فرمانبرداری نیز از خصایص ذاتی زن است و خصیصه‌ای است که در وجود او به ودیعت نهاده شده. بسا از سوی مرد تجاوزات و تعدّیاتی به حقوق زن می‌شود، ادیان آسمانی آمده‌اند تا جلوی این تجاوزات را بگیرند و برای فرمانروایی مرد و فرمانبری زن حد و مرزی معین کنند.

از اینجا می‌توانیم مؤکداً بگوییم که اسلام وقتی حق رهبری را در داخل خانواده به مرد اعطاء می‌کند وضعی را که بر مبنای فطرت آدمیان رایج بوده می‌پذیرد و تأیید می‌کند. در واقع اسلام آن را ابداع نکرده بلکه آن را پذیرفته است تا زیربنای نظم و انضباط خانواده مستحکم گردد ولی برای آن محدوده‌ای قرار داده که مرد حق تجاوز از آن را ندارد.

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ- مردان از آن جهت که خدا بعضی را بر بعضی برتری داده است و از آن جهت که از مال خود نفقه می‌دهند» (۱۴) بر زنان تسلط دارند به سبب کوششی که مبذول می‌دارند، در اثر این کوشش برخی بر برخی دیگر در مراتب اجتماعی برتری می‌یابند. سبب دوم که از آن به اتفاق تعبیر شده همان تقبل هزینه زندگی زن است از طرف مرد.

بر مردان است که هزینه زندگی زنان را تأمین نمایند، زیرا طبیعت و فطرت صافیه مردان آنان را وامی‌دارد که خرجکش زنان باشند. شرایع آسمانی نیز این طبیعت را ارج نهاده‌اند و از این رو اتفاق به زنان را بر مردان فریضه ساخته‌اند. اگر سمت رهبری از آن مردان است پس بر زنان واجب است که اطاعت کنند. زن صالحه بیش از دیگر زنان فرمانبردار اوامر خداوند و شوی خود است و بیش از دیگران پاسدار عفت خویش است. خدای تعالی به زن شرم و آزر فطری عنایت کرده و او را به شوی خود مهربان ساخته و فرمان داده است که خود را از تعلق به مرد دیگری جز شوهرش نگهدارد (۱۵). تا به این وسیله بنای خانواده مستحکم تر شود.

۴- حفظ حجاب:

از دیگر عواملی که برای حفظ بنیان خانواده باید رعایت کرد مساله حفظ حجاب برای در امان ماندن زنان مسلمان از نگاهای هرزه که قرآن نیز به اشاره کرده است آن جا که میفرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» (۱۶)

(کلمه "جلابیب" جمع جلباب است، و آن جامه‌ای است سرتاسری که تمامی بدن را می پوشاند.

و یا روسری مخصوصی است که صورت و سر را ساتر می‌شود، و منظور از جمله "پیش بکشند مقداری از جلباب خود را"، این است که آن را طوری بپوشند که زیر گلو و سینه‌هایشان در انتظار ناظرین پیدا نباشد. در ادامه میفرماید:

ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَنْ يُعْرِفَنَ فَلَا يُؤْذَنَ - یعنی پوشاندن همه بدن به شناخته شدن به اینکه اهل عفت و حجاب و صلاح و سدادند نزدیک‌تر است، در نتیجه وقتی به این عنوان شناخته شدند، دیگر اذیت نمی‌شوند، یعنی اهل فسق و فجور متعرض آنان نمی‌گردند.

بعضی از مفسرین در معنای آن گفته‌اند: این پوشیدگی، نزدیک‌تر بودن ایشان به مسلمان بودن و آزاد بودن را می‌شناساند، چون زنان غیر مسلمان، و نیز کنیزان در آن دوره حجاب نداشتند، و حجاب علامت زنان مسلمان بود، و در نتیجه کسی متعرض آنان نمی‌شد (۱۷) و به این وسیله کرامت زن در خانواده حفظ و زندگی خانوادگی آنها کمتر دچار آسیب میشد.

۵- انتخاب حکم:

(به طور معمول در صورت بروز اختلاف میان زن و شوهر طرفین راهی دادگله میشوند ولی در این مورد توصیه قرآن به زوجین به جای مراجعه به دادگاه و رسیدگی قضایی با انتخاب داورانی از میان کسان خود در رفع اختلاف و ایجاد صلح و سازش اقدام نمایند (۱۸) (البته این هنگامی است که میان زن و شوی اختلاف حاد و اساسی پدیدار گردد، البته نه چنان است که برای هر قصور اندکی که زن در انجام وظایف زناشویی خود مرتکب شد، چنین وضعی پیش می‌آید بلکه این قصور ممکن است از جانب شوهر باشد، یعنی آن چنان توجهش به امور دیگر منزل معطوف گردد که از ادای وظایف خود نسبت به زن بازماند. در این هنگام ضروری است که پیش از آنکه کشاکش بالا گیرد و کار به طلاق کشد، از سوی زن داوری و از سوی مرد نیز داوری برگزیده شوند و در آن امر با یکدیگر به گفتگو پردازند و چون به راه حلی دست یابند، زن و شوی باید که بدان داوری گردن نهند. اما آن دو داور باید نیتی پاک داشته باشند و همه سعیشان آن باشد که زندگی در حال فرو ریختن و گسستن را بار دیگر سامان دهند مراد از پاکی نیت این است که حقیقه خواستار اصلاح باشند. (۱۹)

(وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا - اگر از اختلاف میان زن و شوی آگاه شدید، داوری از کسان مرد و داوری از کسان زن برگزینید. اگر آن دو را قصد اصلاح باشد، خدا میانشان موافقت پدید می‌آورد، که خدا دانا و آگاه است. (۲۰) و البته ناگفته نماند حضور بزرگان در خانواده در تحکیم روابط همسران و رابطه آنان با فرزندان موثر است و در بسیاری از مواقع از سردی روابط و پراکندگی اعضا ممانعت میکند. به همین سبب خانواده‌های گسترده در گذشته و حال از بسیاری از آسیب‌های خانوادگی در امان بوده و هستند.

۶- صبر بر مشکلات:

اسلام دین کرامت است و برای شخصیت انسان چه زن و چه مرد ارزش قابل است. در این زمینه در دفاع از حقوق زنان آیاتی را در کتاب شریف قرآن بیان میکند از آن جمله در سوره مبارکه نسا آیه ۱۹ میفرماید: (اسلام، مدافع حقوق زن است. «لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرْهًا» باز پس گرفتن مهریه با زور، حرام است. «لَا تَقْضُلُوهُنَّ لِيَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ» تنها در صورتی که زن در معرض بی‌عفتی باشد، مرد حق سخت‌گیری دارد.

سوی دیگر استحکامی در پی نخواهد داشت و اگر در ظاهر پایدار بماند از درون پوسیده و فرو نشسته است). (وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا).

و اگر زنی از شوهرش بیم ناسازگاری یا اعراض داشته باشد بر آن دو باکی نیست که به گونه‌ای با یکدیگر صلح کنند (گرچه با چشم‌پوشی بعضی از حقوقش باشد) و صلح بهتر است، ولی بخل و تنگ‌نظری، در نفس‌ها حاضر شده (و مانع صلح) است، و اگر نیکی کنید و تقوا ورزید، پس بدانید که همانا خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است) (۳۳). علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.

۱- در مسائل خانوادگی قبل از آنکه کار به طلاق بکشد باید چاره‌ای اندیشید.

۲- «خَافَتْ» گذشت از حقّی برای رسیدن به مصلحت بالاتر و حفظ خانواده، مانعی ندارد و بهتر از پافشاری برای گرفتن حقّ است.

۳- «فَلَا جُنَاحَ» در مسائل خانواده، مرحله‌ی اوّل اصلاح خود زوجین، بدون دخالت دیگران است. اگر نشد، دیگران دخالت نکنند.

۴- «أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا» بهره‌ی همسر از همسر، حقّی قابل گذشت است.

۵- «حکمی نیست که قابل تغییر نباشد.» «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا»

۶- حقّ خانواده بیش از حقّ شخصی زن یا مرد است. به خاطر حفظ خانواده، باید از حقّ شخصی گذشت.

۷- «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» صلح، همیشه با پرداخت مال نیست. گاهی گذشت از حقّ، زمینه‌ساز مصالحه و آشتی است. و بخل مانع آن است.

۸- «وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ» رمز تزلزل بسیاری از خانواده‌ها، تنگ‌نظری و بخل و حرصی است که انسان را احاطه کرده است.

۹- «وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ» گذشت مرد از تمایلات جنسی و رعایت عدالت میان دو همسر، از نمونه‌های تقوا و احسان است.

۱۰- «إِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا» نظام حقوقی اسلام با نظام اخلاقی آن آمیخته است.

«يُصْلِحَا»، «تُحْسِنُوا» چه گذشتن از حقّ خود و چه نیکی به همسر، همه در محضر خداوند است

فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

۱۱- مرد هوسباز بداند که اگر به خاطر کامیابی خود، همسر قبل را در فشار قرار دهد و او به ناچار مسئله‌ای را بپذیرد، خدا به عملکردش آگاه

است. «كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (۳۴)

۱۳- امانتداری:

از دیگر عواملی که در سبک زندگی قرآنی باعث استحکام خانواده میشود مسئله امانتداری مادی و معنوی در روابط زوجین است آنجا که

میفرماید: (فَاتِّبَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ...) (۳۵)

(به نظر می آید باء در «بما» به معنی مقابله باشد، یعنی حالا که مردان سرپرست زنان شدند پس افراد شایسته آنهایی هستند که به شوهران خود در امر سرپرستی مطیعند و حافظات غیبند یعنی در غیاب شوهر مال شوهر و خودشان را برای شوهر حفظ می کنند، نه به مال او خیانت می کنند و نه به ناموس او، اینها را انجام می دهند در مقابل آنچه خدا از حقوقشان را حفظ کرده و بر عهده مردان قرار داده است.) (۳۶)

(اوصاف بانوان که همزیستی و عضویت خانواده‌ئی را پذیرفته آنستکه درستکار و خود را بصلاح آراسته و همواره خشنودی شوهر را جلب نمایند و وظایف شوهر داری مانند رنج حمل و زایش را متحمل شوند و با ضربان قلب مهر خود را در روان فرزند به ودیعت گذارند و با رغبت و محبت تربیت کودکان را بعهده بگیرند و در غیاب شوهرش اموال و عرض او را از خیانت اجنبی حفظ کند و اسرار خانواده را پنهان بدارد و همواره در کفالت و مهر شوهر خود بسر ببرد و نسبت بشیر دادن طفل نوزاد و یا خدمت در خانه و امثال آن آزاد هستند نمیتوان آنان را اجبار کرد.

هم چنین از جهات دیگر حریت دارند چه نسبت بتصرف در اموال خود و یا صنعت و حرفه مشروعی که دارند بکار ببرند بطوریکه با حقوق شوهر مزاحمت نداشته باشد) (۳۷)

۱۴-راز داری:

راز داری یکی دیگر از عوامل مهم در تحکیم خانواده است که قرآن نیز در ضمن داستانی از زندگی پیامبر به آن اشاره میکند و نبود این مسئله (راز داری) در زندگی خانوادگی میتواند به عنوان یک تهدید جدی برا خانه و خانواده باشد. (وَ إِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ) (۳۸)

(وَ إِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ: و یاد کنید ای مؤمنان، چون راز گفت پیغمبر اکرم، إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا: به سوی بعض از زنان خود، یعنی حفصه سخنی را که تحریم ماریه است، فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ: پس آن هنگام که خبر کرد حفصه، عایشه را به آن حدیث، وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ: و آشکار گردانید خدا پیغمبر را بر لسان جبرئیل، و او را مطلع ساخت بر افشای آن حدیث، عَرَفَ بَعْضُهُ: شناسا گردانید پیغمبر برخی از آن حدیث

را به حفصه، و خبر داد او را از افشای بعضی از آن که تحریم ماریه باشد، یعنی به او گفت قصه تحریم ماریه را که به سر آن امر نمودم، تو افشا نمودی، وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ: و اعراض نمود رسول از بعضی دیگر، زیرا غرض از تعریف افشای ذکر، خیانت حفصه بود. فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ: پس آن هنگام که خبر داد حفصه را به آنچه خدا او را مطلع ساخته بود، قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا: گفت حفصه به پیغمبر: که خبر داد تو را به اینکه من راز را آشکار کردم، قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ: گفت پیغمبر: خبر داد مرا خدائی که داناست به خفیات ضمائر، خبر داد از مکنونات سرائر. مروی است چون افشای سر بر حضرت ظاهر شد، حفصه را طلاق و به خانه پدرش فرستاد. پدر بر او خشم گرفت و گفت: اگر افشا نمودی پیغمبر تو را طلاق ندادی. پس حضرت یک ماه از زنان اعتزال نمود، حق تعالی به جهت مبالغه در معاتبه عایشه و حفصه، از غیبت به خطاب التفات نموده فرمود

إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ (۳۹)

إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ: اگر توبه کنید ای عایشه و حفصه، و باز گردید به خدا و در آزار خاطر مبارک پیغمبر، همراه نشوید، پس آن بجا و شما را بهتر باشد، چه بر شما توبه واجب است، و ندامت بر افشای سر لازم، فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا: پس بدرستی که گشته است دلهای شما از امر واجب

که محافظت سر پیغمبر، و عدول نموده از استقامت و صواب به آنچه موجب گناه و عذاب است، **وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ: و اگر هم پشت شوید و معاون یکدیگر گردید بر آزردن خاطر مبارک حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم، چه باک، فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ: پس بدرستی که** خدای تعالی یاری گر او است. (۴۰).

فهرست منابع

*-قرآن کریم.

۱-پناهی، علی احمد، (۱۳۸۷) خانواده از منظر دین و روان شناسی، سامانه نشریات موسسه آموزشی پژوهشی حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه).

۲- شاهنده، حبیب، گل پرست، قنبر، (۱۳۹۵)، تحکیم اساس خانواده در آیات و روایات، مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران استان اردبیل.

۳-نساء: ۲۱

۴-گروه مترجمان، (۱۳۶۰)، ترجمه مجمع البیان فی التفسیر القرآن، جلد ۵، انتشارات فراهانی، تهران، ص ۸۳

۵-همان ص ۸۴.

۶-نجفی خمینی، محمد جواد، (۹۸) قمری، تفسیر آسان انتشارات الاسلامیه، تهران، چاپ اول.

۷-نور: ۳۲.

۸-مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه جلد ۳، ناشر دارالکتاب الاسلامیه، تهران، چاپ اول.

۹-سایت باشگاه خبرنگاران جوان، (۱۳۹۲)، گروه فرهنگی هنری، (vjC)

۱۰-تغابن: ۱۴

۱۱-تفسیر نمونه، جلد ۲۴، همان، ص ۲۰۵

۱۲-روم: ۲۱

۱۳-تفسیر نمونه، همان، جلد ۱۶، ص ۳۹۱

۱۴-نساء: ۳۴

۱۵-گروه مترجمان، (۱۳۷۷)، تفسیر هدایت، جلد ۲، ناشر بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول.

۱۶-احزاب: ۵۹

۱۷-موسوی همدانی، سید محمد، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۱۶، قم، چاپ اول، ص ۵۱۰

۱۸- مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران استان اردبیل، تحکیم اساس خانواده در آیات و روایات، همان.

۱۹- قرائتی، محسن، تفسیر نور جلد ۲، (۱۳۸۳) شمسی، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، چاپ یازدهم، ص ۲۸۶

۲۰- نساء: ۳۵

۲۱- تفسیر نور جلد ۲، همان، ص ۲۱۶

۲۲- تحریم: ۶

۲۳- ترجمه مجمع البیان، جلد ۲۵ همان، ص ۱۴۶

۲۴- طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه جامع الجوامع جلد ۶، (۱۳۷۷) انتشارات دانشگاه تهران، و مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول، ص ۳۶۱

۲۵- همان، ص ۳۷۰

۲۵- بقره: ۲۳۳

۲۶- مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران استان اردبیل، تحکیم اساس خانواده در آیات و روایات، همان

۲۷- نور: ۲۷

۲۸- برگزیده تفسیر نمونه، جلد ۳، ص ۲۹۰

۲۹- نور: ۳۰

۳۰- برگزیده تفسیر نمونه، جلد ۳، ص ۲۹۰

۳۱- طه: ۱۳۲

۳۲- تفسیر نور جلد ۷، همان ص ۴۱۵

۳۳- نساء: ۱۲۸

۳۴- تفسیر نور جلد ۲، همان ص ۴۰۰

۳۵- نساء: ۳۴

۳۶- قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۷) تفسیر احسن الحدیث، جلد ۲، ناشر بنیاد بعثت، تهران، چاپ سوم، ص ۳۵۵

۳۷- حسینی همدانی، سید محمد حسین، (۱۴۰۴) قمری، انوار درخشان، جلد ۲، ناشر کتاب فروشی لطفی، تهران، چاپ اول ص ۵۲

۳۸- تحریم: ۳

۳۹- تحریم: ۴

۴۰- تفسیر احسن الحدیث، جلد ۱۱، همان ص ۲۳۲

